زخمی، عمیق‌تر از انزوا...

مینی‌سریال حیثیت گمشده و آنچه باید بدانید

■ دومین سریال سجاد پهلوان‌زاده این‌بار نه یک تریلر جاسوسی که یک درام هیجان‌انگیز و پرتب‌وتاب است.

«محمد نوری بسیار وطن‌دوست بود و هیچ‌گاه به مسائل سیاسی و مسائلی که خارج از این سرزمین بود، تن نداد و در سرزمین خود ماند و وفادار بود. او همیشه برای وطنش خواند و هیچ‌گاه به خاطر پول کار نکرد.»

شیما مقدسی

گروه فرهنگ و هنر– بعد از استقبال مخاطبان از سریال موفق و پرمخاطب سقوط این بار با یک اثر اجتماعی متفاوت از این کارگردان مواجه می‌شویم؛ مینی سریال حیثیت را همان تیم موفق سقوط برای پخش اختصاصی از فیلیمو تهیه و تولید کرده اند. حیثیت همچون سریال اول پهلوان‌زاده یک مینی‌سریال است و تعداد قسمت‌های آن کمتر از ده قسمت است. داستان با تلف شدن بچه ای با آرام بخش به دست بهاره افشاری آغاز می شود. زوج بهاره افشاری و مهدی حسینی نیا چند سالی بچه دار نمی شوند به دردسر بزرگی می افتند و بیرون آمدن از آن برایشان سنگین تمام می شود.

حیثیت گمشده سریال جدید فیلیمو به‌کارگردانی سجاد پهلوان‌زاده و تهیه‌کنندگی محمدرضا منصوری است که محمدحسین مهدویان نیز به‌عنوان طراح پروژه و مشاور کارگردان در این مجموعه حضور دارد. سریال با وجود تمام نقاط ضعف و باگ‌ها و بعضا بی‌دقتی‌های موجود در فیلمنامه، نهایتا به عنوان یک اثر موفق شناخته می شود و نمی‌توان آن را اثری ناموفق و ناتوان نامید. اثری موفق و باکیفت در ژانر درام که مخاطبین و علاقه‌مندان را برای ساخت بیشتر چنین دست آثاری امیدوار می‌کند.

مهدی حسینی نیا که جزو پرکارترین بازیگران نمایش خانگی در دو سال اخیر حساب می شود، در تمامی سریال های پرطرفدار نمایش خانگی مانند رهایم کن، یاغی، میخواهم زنده بمانم و... به عنوان نقش مکمل خوش درخشید و حالا او با حیثیت گمشده آمد تا با نقش اول باعث درخشیدن یک سریال شود. بازیگران قوی در کنار کارگردان کاربلد، سجاد قهرمان زاده (کارگردان سریال سقوط) باعث شد تا این سریال یکی از بهترین مینی سریال های نمایش خانگی شود. دیگر بازیگران این سریال؛ بهاره افشاری، الناز حبیبی، امیر نوروزی، بهزاد خلج، مهدی زمین‌پرداز و ستاره پسیانی هستند. با هنرمندی رحمان باقریان، با حضور نادر فلاح و آرش فلاحت‌پیشه و بازیگر خردسال هم آرشیدا درستکار است. نویسنده سریال: احمد سلگی، مدیر فیلمبرداری: سامان لطفیان، تدوین: حسین جمشیدی گوهری، موسیقی: مسعود سخاوت دوست، طراحی و ترکیب صدا: مهرشاد ملکوتی، مدیر صدابرداری: امین میرشکاری، طراح صحنه: امیرحسین حداد، طراح لباس: امیر ملک‌پور، طراح گریم: شهرام خلج، طراح جلوه های ویژه بصری: امین پهلوان‌زاده، طراح جلوه های ویژه میدانی: آرش آقابیک، مدیر تولید: آرش صالحی، دستیار اول کارگردان: جعفر نامنی، مدیر برنامه‌ریزی: محسن جعفرزاده، مدیر تدارکات: جواد باقری، منشی صحنه: الناز کوتی، طراح تیتراژ: حامد بارئی طبری و عکاس: مجید طالبی

روایتی از شهری خاکستری

درام های پایین شهر چند سالی است مورد توجه کارگردانان قرار گرفته است. پوست شیر و شنای پروانه از جمله موارد موفق این سبک کار ها بوده است که با استقبال غیرقابل وصفی نیز همراه بود. «حیثیت گمشده» در ادامه سیاست جدید سازندگان در زمینه مینی سریال سازی ساخته شده است. مهدی حسینی نیا با موفقیت نقش یک مرد تهیدست را ایفا کرده است و نگران است که با خبر شدن از تصادف همسرش و فاش شدن دروغ‌ها و بارداری‌اش، به او مظنون شود. امیر همچنان عصبانی است، به در و دیوار می‌زند و در نهایت به خود می‌آید، سکوت می‌کند و از دیگران التماس می‌کند تا واقعیت را به او بگویند؛ واقعیتی که به گفته خودش، اگر برایش ثابت شود، به قدری سخت است که در همان لحظه در حیاط بیمارستان خود را آتش می‌زند. مهدی حسینی نیا در چند ساله گذشته به یک بازی با بازی در نقش های حساس و سریال های موفق این اواخر به شهرت رسیده است. برای مثال می توان به بازی وی در سریال هایی همچون سیاوش، میخواهم زنده بمانم، یاغی، میدان سرخ و رهایم کن بسیار مورد توجه قرار گرفت و حالا در «حیثیت گمشده»، با نقشی متفاوت به میدان آمده است. این سریال همین امسال جلوی دوربین رفته است و حالا از اواخر ماه چهارم سال آماده نمایش شده است. مخاطب فعلی دیگر سریال بالای حتی ۱۵ قسمت را به زحمت می بیند؛ مگر آن که قصه سریالی اتفاق ویژه‌ای را رقم بزند. افتتاحیه «حیثیت گمشده» شباهت هایی با سقوط مینی سریال قبلی سجاد پهلوان زاده در سریال قبلی زن با جهان مخفی شوهر مواجه میشد در این جا مرد با زیست پنهان‌کارانه همسرش مواجه می‌شود. اتفاق مثبتی که در قسمت اول سریال جدید پهلوان زاده نسبت به قسمت اول سریال قبلی افتاده؛ بهتر شدن ریتم در قصه گویی است. پایلوت «سقوط» پر بود از اضافه‌گویی به گونه ای که به زحمت می‌شد قسمت اول آن را تماشا کرد اما در «حیثیت گمشده» اوضاع بهتر پیش رفته است. نیمه اول «حیثیت گمشده» چه در فیلمنامه و چه در اجرا روی موج کلیشه‌ها و اغراق روابط زناشویی در سریال‌ها پیش می رود. به نوعی که انتهای سکانس اول سریال به جای آن که مخاطب را با خود همراه کند؛ او را از قصه جدا می‌کند. حتی صحبت های امیر در قهوه خانه نیز شعارگونه پیش می رود؛ اما رفته رفته اوضاع بهتر می شود و پلات مربوط به هاجر موتور سریال را روشن می کند. بهاره افشاری به همان جنس بازی های دهه هشتاد خود بازگشته؛ همان تصویری که مورد پسند مخاطب است.

فیلمنامه به یک نکته پایبند است؛ هیچ کس سیاه مطلق نیست و هیچ کس سفید مطلق. این همان چیزی است که سال هاست در جهان باعث جذابیت سریال ها می‌شود. این فرمول در ایران نیز در آثاری تست شده که مورد توجه مخاطبان بوده است. «قورباغه» یکی از موفق ترین این تجربه هاست. در «حیثیت گمشده» اما گویی این اتفاق به رخ مخاطب کشیده می‌شود و نویسنده آن را به تمامی شخصیت ها به جز دختر «ریحان» خواهر کوچک «هاجر» تعمیم داده است. در جهان سریال در قسمت اول همه خاکستری هستند. ما شاهد امیر در حال تجربه ی تنهایی، اندوه و سوالات بی پاسخ هستیم؛ این سکانس را حسینی نیا به شکل بسیار برجسته‌ای به تصویر کشیده است. در کنار بازی موفق این بازیگر، گریم، لباس و حتی موتور که با آن سوار می شود به قدری مناسب و درست انتخاب شده است و به خدمت باورپذیری شخصیت کمک می کند. ما هیچ چاره دیگری جز همراه شدن با او نداریم. نکته مهم اینجاست که پس از عرضه قسمت دوم "حق طلبان"، بخش عظیمی از نظرات زیر پست های مربوط به سریال در Instagram به داستان جذاب سریال و بازی فوق العاده حسینی نیا اشاره دارد. حال باید ببینید که پس از رخ دادن رویداد مهم در قسمت دو "حق طلبان"، چگونه نقش باز هنرمند را از این پس خواهیم دید.

باید دید «حیثیت گمشده» در قسمت های آتی چه مسیری را طی می‌کند و آیا می‌تواند یه یک مینی سریال موفق شبکه نمایش خانگی بدل شود یا خیر؟

با توجه به عملکرد برجسته حسینی نیا در قسمت دوم سریال "حیثیت گمشده" و تأثیر آن بر روی تعاملات اجتماعی و روحیه امیر، می‌توان پیش‌بینی کرد که در ادامه نیز بازیگر به نحوه‌ای قابل توجه و قدرتمند با شخصیت خود همراه خواهد بود. احتمالاً این بازیگر با استفاده از عناصر مختلف هنری مانند گریم، لباس و حتی موسیقی، تلاش خواهد کرد تا شخصیت امیر را به صورت جذاب و قابل هضم برای تماشاگران به نمایش بگذارد. همچنین، با توجه به پاسخ‌های بلافصل در پست‌های مربوط به سریال در شبکه‌های اجتماعی، مشخص است که حضور حسینین در نقش امیر و بازگشت شخصیت به دستان قدرت خلاقان سبب شده است تا تماشاگران انتظارات بالایی از بازیگر در آینده داشته باشند.

پایان فیلمبرداری «پشت ابر پاییزی»

گروه فرهنگ و هنر–«پشت ابر پاییزی» به کارگردانی کیوان رضایی‌راد قصه یک انتظار را به تصویر می‌کشد. فیلم کوتاه «پشت ابر پاییزی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مشترک کیوان رضایی‌راد با روح‌الله حسین‌بیکی در تهران مقابل دوربین رفت. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: دختر بچه‌ای در پرورشگاه در انتظار خانواده‌ای است که او را به فرزندخواندگی بگیرند تا اینکه خانواده‌ای این دختر کوچک را به فرزندی می‌پذیرند اما در لحظه آخر... در پشت ابر پاییزی، شراره رخام، روح‌الله حسین‌بیکی، مینا امدادی، ایمان میثمی، مهسا ماندگار و سهراب آقابابایی و بازیگران خردسال: تینا زندی، امیرحسین امان‌آبادی و برسام اسحاق ایفای نقش می‌کنند. امیرمحمد رضایی، سحر امان‌آبادی، یسنا منتظری، النا بخشی، انیسا رضایی، ارمغان حاجی‌بابایی، بنیتا شفائی، نگین جعفری‌نسب و نگار جعفری دیگر بازیگران این فیلم کوتاه هستند. عوامل پشت ابر پاییزی عبارتند از: نویسنده: بابک صفی‌خانی، مشاور کارگردان: شاهپور حسینی، دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز: ایمان میثمی، دستیار دوم کارگردان: فاطمه مکتبی، مدیر تصویربرداری: علی براری، دستیاران تصویربرداری: امید صیدی و محمد شرو امیدواری، مدیر صدابرداری: محمدحسین نجاتی، مدیر تولید: زهرا قربانی، دستیاران تولید: مهسا ماندگار و زهرا محمدی، تدوین و اصلاح رنگ: حامد محمودی، طراح صحنه و لباس: نوید شیخ محمد، دستیار لباس: حوریا قربانپور، مدیر چهره‌پردازی: نوشین خلج، دستیار گریم: سارا موسوی، منشی صحنه: الهام نباله، عکاس: محیا باران‌چشمه و تدارکات: جواد راسترو و حسین خدایی.

گوینده نوستالژی دهه ۶۰:

رادیو نان ندارد!

گروه فرهنگ و هنر– گوینده برنامه «شب بخیر کوچولو» گفت: کسانی که می‌خواهند وارد رادیو شوند باید صبور باشند، به خصوص در رادیو نانی که برخی شاید به دنبالش باشند، دست یافتنی نیست ولی برای آنان که عشق دارند قصه فرق می‌کند.

مریم نشیبا در پاسخ به این سوال که چه توصیه ای برای کسانی که می خواهند کار رادیویی کنند، دارد، اظهار داشت: توصیه می کنم اگر می خواهند به جهت مالی وارد این عرصه شوند بدانند که باخته اند اما اگر عشق دارند تشریف بیاورند و تستی از آنها گرفته می شود و اگر خدا بخواهد مسیری را طی می کنند و به خواسته شان می رسند.

وی افزود: در این مسیر باید صبور باشند به خصوص برای رادیو نانی که برخی شاید به دنبالش باشند، دست یافتنی نیست چرا که ساختار و مدل این است ولی برای آنان که عشق دارند قصه فرق می کند. البته در تلویزیون دستمزدها، نوع و فرم کار شکل دیگری است و تفاوت دارد ولی در رادیو فقط عشق است.

گوینده برنامه گلبانگ در توضیح حال و احوال این روزهای خود بیان کرد: مادری دارم که ۲۱ اسفندماه سال گذشته ۹۹ سالگی اش تمام و وارد ۱۰۰ سالگی شد و من این روزها با یک نوزاد ۱۰۰ روزه طرف هستم و می توانید تصور کنید که نگهداری از ایشان تا چه اندازه می تواند مشکل باشد آن هم با توجه به این که خودم اردیبهشت امسال وارد ۷۸ مین سال زندگی ام شدم.

نشیبا اظهار داشت: اگر بگویم سلامت روحی ندارم کسی باور نمی کند چون در ارتباط با مردم تلاش می کنم خودم را سلامت و خوب نشان بدهم اما دارو مصرف می کنم و سلامت جسمی ام هم این گونه است که چون حدود ۱۰ عمل بر بدن من صورت گرفته گذران امور برایم بسیار دشوار است اما نهایتا شکر می کنم که توفیق الهی نصیبم شده است که نگهدار مادرم باشم.

این گوینده پیشکسوت در پاسخ به این سوال که چه احساسی از اقبال مردم نسبت به خود دارد، بیان کرد: عشق است و من با خودم می گویم خدا مگر من چه دارم که مردم این گونه به من توجه می کنند؟ هر جایی که میروم به من لطف دارند؛ مثلا فروشگاه می روم می خواهند لطف کنند و از من پول نگیرند و من مجبور می شوم که بیشتر هم بپردازم.

وی افزود: محبت مردم به من عشق و لطف زندگی و حیات من است و نفس من به همین چیزها زنده است.

این گوینده تصریح کرد: برای مردم بهترین ها را آرزو دارم و امیدوارم نقاش بال پروانه ها پیوسته به همراه خودشان و عزیزانشان باشد. از لطف همه مردمی که ما را می نوازند ممنونم.

مریم نَشیبی یا مریم نَشیبا (۱۳۲۵)، آموزگار و گوینده رادیو و تلویزیون ایرانی است.

وی لیسانس جغرافیای اقتصادی دارد و از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۷۴ دبیر جغرافیا در دبیرستان بوده و کار گویندگی در رادیو و تلویزیون را از ابتدای سال ۱۳۵۷ آغاز کرده و صرف‌نظر از یک وقفه پنج‌ساله، تاکنون ادامه داده‌است. نشیبا از سال ۱۳۷۴، پس از بازنشستگی از آموزش و پرورش، عمده فعالیت خود را بر گویندگی معطوف ساخته‌است.

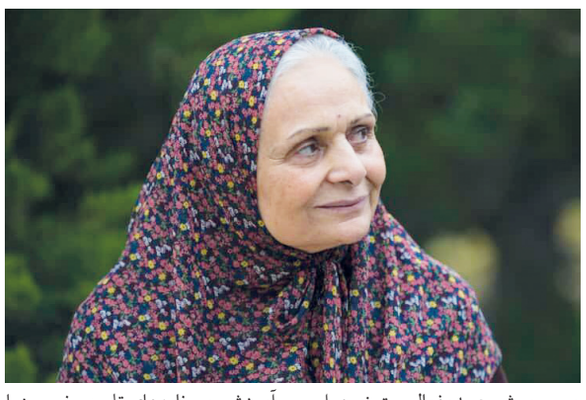

وی، علاوه‌بر گویندگی خبر و همکاری با برنامه‌های روزانه و هفتگی، اجرای برنامه «شب‌بخیر کوچولو» را به‌صورت شبانه از سال ۱۳۶۹ پی گرفته‌است. نَشیبا هم چنین مجری برنامه گلبانگ از رادیو ایران است و درزمینه کار تلویزیونی نیز، ضمن گویندگی در برنامه‌های مستند علمی و آموزشی و برنامه‌های تلویزیونی سینما دو و سینما چهار، اجرای مجموعه‌های صداهای ماندگار و روز نوروز را برعهده‌داشته‌است.

گلبانگ یک برنامه رادیویی است که هر روز از رادیو ایران پخش می‌شود؛ این برنامه از اول فروردین ۱۳۷۸ تا به امروز از رادیو ایران به مدت سی دقیقه با پخش ترانه‌های درخواستی مردم روی آنتن میرود.

تازه‌های موسیقی؛ «هزارآوا» تا «مه‌تا»

گروه فرهنگ و هنر– آلبوم‌های موسیقی «هزارآوا»، «ده رنگ و ضربی برای قیچک» و «مه‌تا» مردادماه ۱۴۰۲ منتشر شدند.

آلبوم‌های موسیقی «هزارآوا»، «ده رنگ و ضربی برای قیچک» و «مه‌تا» در سبک کلاسیک ایرانی مردادماه امسال به همت موسسه فرهنگی هنری ماهور منتشر شدند.

«هزارآوا»

«هزارآوا» با آهنگسازی و تنظیم مریم تژده و خوانندگی مجتبی عسگری شامل ۶ قطعه؛ چهارمضراب مهربانی، آواز به همراهی تار، چهارمضراب شکسته، آواز به همراهی نی، تصنیف هزارآوا و رنگ آفتاب با شماره مجوز ۳۲۹۸-۱۴۰۲ است.

نوازندگان؛ مریم تژده (تار)، زمان خیری، وفا مصباحی (نی)، سینا جهان آبادی (کمانچه)، کامران یعقوبی (تمبک) و پویا سرایی (سنتور)، حمید عسگری میکس و مسترینگ از دیگر هنرمندان این اثر هستند.

آلبوم «هزارآوا» بر دو بخش گروه‌نوازی و ساز و آواز استوار است. طراحی و آهنگسازی این آلبوم در یک زمان مشخص شکل گرفته است اما ضبط آثار گروه طی چند سال (پیش از ۱۳۹۶) انجام شده و بخش ساز و آواز این آلبوم سال ۱۴۰۱ ضبط شده است.

مریم تژده، آموختن موسیقی را از سال ۱۳۷۰ در هنرستان موسیقی با ساز تار آغاز کرد. وی فارغ‌التحصیل هنرستان موسیقی و دانش‌آموخته دانشکده هنر و معماری و دانشگاه هنر تهران است.

تژده در ابتدا زیر نظر استاد فریبرز عزیزی و در ادامه به ترتیب از حضور استادانی همچون هوشنگ ظریف، حسین علیزاده، داریوش طلایی و داریوش پیرنیاکان بهره برده است.

تدریس در دانشگاه هنر تهران (به مدت ۱۲ سال)، تدریس در هنرستان عالی موسیقی و هنرستان موسیقی دختران، اجرای کنسرت‌های متعدد در داخل و خارج از ایران از جمله اتریش، مجارستان، یونان، چک، اسلونی، ترکمنستان، فستیوال‌های متعدد موسیقی در کانادا، انتشار آلبوم‌های «این شرح بی‌نهایت»، «نقش‌بندان»، «سه‌گاه افشاری» و بخشی از آلبوم «آواز در سایه» از جمله فعالیت‌های موسیقایی تژده است.

تژده برگزیده چندین دوره جشنواره موسیقی است و مقالات متعددی در حوزه موسیقی به چاپ رسانده است. فعالیت‌های نوازندگی و آهنگسازی وی با علاقه به آثار قدما و در حوزه موسیقی دستگاهی شکل گرفته است.

«ده رنگ و ضربی برای قیچک»

آلبوم «ده رنگ و ضربی برای قیچک» با نوازندگی قیچک نسیم شیرافکن و میکس و مسترینگ علیرضا نکولعل شامل قطعه‌های رنگ نوا، رنگ/ضربی اصفهان، رنگ بیات ترک، رنگ سه‌گاه، رنگ/ضربی ابوعطا، رنگ/ضربی ماهور، رنگ افشاری، رنگ/ضربی همایون، رنگ/ضربی دشتی و رنگ چهارگاه با شماره مجوز ۲۶۶-۱۴۰۱ است.

درباره این آلبوم، به قلم شیرافکن می‌خوانیم: «من رنگ‌هایم را صرفاً با هدفِ شادی‌آفرینی یا اهدافِ کاربردیِ نشاط‌انگیزی از این دست نساختم اَما پس از اولین باری که در آهنگسازی سی‌دی قبلی‌ام (تکنوازیِ قیچک)، فرم رَنگ (به جای مثلاً چهارمضراب یا قطعه‌ای ضربی با فرم دیگری)، ناخودآگاه، در ذهنم آمد و تَصمیم به ساختن در این فرم گرفتم، توجّهم به چنان پتانسیلی (فرح‌انگیزی از جنسی که مختص رنگ است) و چرایی کم‌رغبتیِ آهنگسازیِ معاصر به این فرم و قابلیتِ بازتعریفِ «فرح‌انگیزی» با مؤلفه‌هایی که رضایتِ اندیشه‌ای و هنری آهنگساز و شنونده غیرعام امروز را فراهم کند، جلب شد (گرچه این اثر ادعای نائل شدنِ قطعی به این هدف را ندارد).

لذا علاقه ناخودآگاهم به فرم رنگ و نیز تصمیم خودآگاهم مبنیَ بر توجّهِ بیشتر به قابلیت‌های این فرم، منجر به ساخته شدنِ این ده قطعه گردید.»

«مه‌تا»

آلبوم «مه‌تا» با نوازندگی تار بهاره فیاضی، نوازندگی تمبک گوهرناز مسائلی و میکس و مسترینگ امیر مردانه شامل ۱۱ قطعه؛ مقدمه دشتی، نجوای ماه (پیشکش به استاد هوشنگ ظریف)، درآمد دشتی، مه‌تا، بیدگانی دیلمان، گیسو، اوج (عشاق)، ضربی اوج، ادامه اوج و فرود، تصنیف قدیمی: ای آنکه به دل و درنا (رنگ) با شماره مجوز ۳۹۲۹-۱۴۰۲ است.

درباره این اثر، به قلم فیاضی می‌خوانیم: «در اسفند ۱۳۹۸ جامعه موسیقی یکی از بزرگترین آموزگاران و نوازندگان ساز تار، استاد هوشنگ ظریف، مرد اخلاق و هنر و مهربانی را از دست داد. تم اصلی قطعه «نجوای ماه» در سوگ و فراق ایشان به ذهنم رسید.

این قطعه را به یاد و خاطره آن استاد بزرگ تقدیم می‌کنم.

سایر قطعات این آلبوم نیز در تمرینات دوران قرنطینه شکل گرفت و در آواز دشتی (سل) در میانه سال ۱۴۰۱ ضبط شد.

همانند کارهای گذشته‌ام، در این آلبوم هم محوریت کار را بر روی موسیقی دستگاهی ایران با تمرکز بر روی تکنیک‌های مختلف نوازندگی تار انجام داده‌ام. این آلبوم، یادگاری از این دوران است.»